

نقش اضطراب و اجتناب دلبستگی در نظریه ذهن و حافظه شرح حال

The Role of Attachment Anxiety and Avoidance in Theory of Mind and Autobiographical Memory

Salomeh Ghasemi Monsef PhD Candidate in Psychology
Islamic Azad University
Tabriz Branch

Davood Manavipour, PhD
Islamic Azad University
Garmsar Branch

داود معنوی پور*
دانشیار گروه روان‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد گرمسار

سالومه قاسمی منصف
دانشجوی دکتری روان‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تبریز

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش اضطراب و اجتناب دلبستگی در نظریه ذهن و حافظه شرح حال بود. جامعه پژوهش متشکل از افراد متأهل ساکن مناطق ۱، ۲ و ۵ شهر تهران بود. تعداد ۲۱۲ نفر (۱۱۹ زن و ۹۳ مرد) با روش نمونه‌برداری در دسترس انتخاب شدند و نسخه بازنگری شده مقیاس تجارب مربوط به روابط نزدیک (فرالی، والر و برنان، ۲۰۰۰)، آزمون حافظه شرح حال (ویلیامز و برودبنت، ۱۹۸۶) و آزمون ذهن‌خوانی از طریق چشم (بارون-کوهن، ویلرایت، هیل، ریست و پلامب، ۲۰۰۱) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از رابطه منفی اجتناب دلبستگی با نظریه ذهن و حافظه شرح حال بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که اجتناب دلبستگی و نه اضطراب، نظریه ذهن و حافظه شرح حال را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند. توانایی کمتر افراد اجتنابی در تشخیص حالات ذهنی خود و دیگری، و یادآوری خاطرات شخصی را می‌توان به راهبردهای نافع‌سازانه، خوداتکایی بیش‌ازاندازه و سرکوب سرنخ‌های مرتبط با دلبستگی در این افراد مرتبط دانست.

واژه‌های کلیدی: حافظه شرح حال، دلبستگی، نظریه ذهن

Abstract

This study aimed to investigate the role of attachment anxiety and avoidance in theory of mind and autobiographical memory. The study population consisted of all married individuals living in districts 1, 2, and 5 in Tehran. 212 people (119 female and 93 male) were selected by convenience sampling method and completed Experience in Close Relationships Scale-Revised (Fraley, Waller, Brennan, 2000), Autobiographical Memory Test (Williams & Broadbent, 1986), and Reading Mind in the Eyes Test (Baron-Cohen, Wheelwright, Hill, Raste, & Plumb, 2001). Data were analyzed via Pearson correlation coefficient and multiple regression. Findings indicated a negative relationship of anxiety attachment with theory of mind and autobiographical memory. Results from regression analysis showed that attachment avoidance but not anxiety negatively predicted theory of mind and autobiographical memory. Decreased ability to recognize one's own and other's mental states and recollection of self-related memories in avoidant people, can be attributed to their deactivating strategies, over self-reliance, and suppression of attachment-related clues in these individuals.

Keywords: autobiographical memory, attachment, theory of mind

received: 19 January 2020

accepted: 06 June 2020

Contact information: manavipor53@yahoo.com

دریافت: ۹۸/۱۰/۲۹

پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۷

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی است.

مقدمه

دلبستگی^۱ از دیدگاه بالبی (۱۹۸۲) پیوند هیجانی پایدار میان کودک و مراقب اوست. اصل بنیادین نظریه بالبی (۱۹۸۲) این است که کودکان و بزرگسالان دارای یک نظام رفتاری دلبستگی هستند که در راستای جست‌وجوی افراد مهم در زمان نیاز، سازمان یافته است. در نخستین ماه‌های زندگی، کودکان حدود دسترس‌پذیری و حمایت‌گری مراقبان خویش را درونی‌سازی می‌کنند و به تدریج از راه تعامل‌های مکرر با مراقب، مدل‌های درون‌کاری^۲ را شکل می‌دهند. این الگوها مشتمل بر یک بازنمایی ذهنی پایدار از خود و دیگران در قالب روابط بین فردی است. انتظار نوباوگان از میزان دسترس‌پذیری، قابلیت اعتماد و توانایی تأمین امنیت و آسایش از سوی والدین، درون‌مایه اصلی مدل‌های درون‌کاری را تشکیل می‌دهد. بر اساس این، سبک‌های دلبستگی نیز به مدل‌های درون‌کاری معینی از دلبستگی اطلاق می‌شود که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد به جدایی از چهره‌های دلبستگی و پیوند مجدد با این چهره‌ها را تعیین می‌کند. این سبک‌ها بیشتر بر اساس تجربه‌های کودک با مراقب شکل می‌گیرند، در مراحل مختلف زندگی نسبتاً پایدار می‌مانند و تعامل‌های اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (جونز، کسیدی و شیور، ۲۰۱۵؛ فوناگی، ۲۰۱۸).

طبق نظریه دلبستگی، سبک‌های دلبستگی و مدل‌های درون‌کاری مرتبط با هر یک، مسئول نظم‌جویی تجربه‌های عاطفی افراد در سراسر زندگی است (بشارت، جباری و سعادت، ۲۰۱۶). این مدل‌ها در مورد دیدگاه افراد پیرامون خود و دیگری است و چارچوبی برای رفتارهای فعلی و آینده در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (جونز و دیگران، ۲۰۱۵). شواهد پژوهشی بسیاری نشان می‌دهد تفاوت‌های موجود در کیفیت روابط دلبسته‌محور کودک و والد به تفاوت در شیوه پردازش اطلاعات مرتبط با دلبستگی منجر می‌شود (بارتلومبو و هوروویتز، ۱۹۹۱؛ دیکاس و کسیدی، ۲۰۱۱؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷)؛ بنابراین این مدل‌های درون‌کاری مرتبط با سبک‌های دلبستگی می‌تواند نحوه درک، حضور و پردازش اطلاعات مهم عاطفی (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۸) و حتی کارکردهای عصب‌فیزیولوژیک افراد (رشیدی، مظاهری، نجاتی و

ذبیح‌زاده، ۲۰۱۵؛ گاندر و باچیم، ۲۰۱۵) را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو، در نظریه دلبستگی بین سبک‌های دلبستگی و توانایی پردازش شناختی در زمینه خود و دیگری ارتباط دوسویه وجود است (استیونارت، رسکام، میونیر و ون‌دی مورتل، ۲۰۱۱؛ هانفلد، لاگی، ارتو و بیلاردینلی، ۲۰۱۳).

توانایی «نظریه ذهن^۳»، به‌عنوان هسته شناخت اجتماعی، از مهم‌ترین توانایی‌های شناختی است که طی سال‌های اخیر ارتباط آن با سبک‌های دلبستگی مورد توجه قرار گرفته است (هانفلد و دیگران، ۲۰۱۳). اصطلاح نظریه ذهن که به توانایی شناختی درک حالت‌های ذهنی، مانند اهداف، نیات، باورها، تمایلات، هیجان‌ها و عواطف خود و دیگران اشاره دارد، نخستین بار توسط پریماک و وودراف (۱۹۷۸) برای بررسی این فرضیه که آیا میمون‌ها برای درک، تبیین و پیش‌بینی رفتار، قادر به نسبت دادن حالت‌های ذهنی هستند، استفاده شد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بهره‌مندی از این توانایی که معمولاً طی سنین چهار الی پنج‌سالگی به‌نویافتگی مناسب در گونه انسان می‌رسد (سینگر و توشی، ۲۰۱۴)، برای انجام تکالیف رفتاری و اجتماعی روزانه ضروری است. نظریه‌های اخیر برای نظریه ذهن دو مؤلفه را برشمرده‌اند که هر یک مبانی عصب‌شناختی مشخصی نیز دارد: نظریه ذهن عاطفی^۴ که به اسناد حالت‌های هیجانی به دیگران و نظریه ذهن شناختی^۵ که به آگاهی از باورها و مقاصد دیگران اشاره دارد (سینگر، ۲۰۰۶). پژوهش‌های انجام‌شده در قلمروی روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی اجتماعی و علوم اعصاب شناختی در مورد مفهوم نظریه ذهن طی دو دهه اخیر، اغلب به ارتباط نظریه ذهن با همدلی، اختلال‌های روانی، و بررسی زیربنای عصبی آن پرداخته است (ولبرن و لیبرمن، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها در قلمروی آسیب‌شناسی روانی نشان می‌دهد که نقصان نظریه ذهن احتمالاً در شکل‌گیری دامنه گسترده‌ای از نشانه‌های اختلال‌های تحولی^۶، روان‌گسیختگی^۷، اختلال دوقطبی و برخی از انواع یادزدودگی نقش دارد (بیز و دیگران، ۲۰۱۵؛ ولف، برون و آسیون، ۲۰۱۰؛ هیرو و دیگران، ۲۰۰۸)؛ برای مثال، یافته‌های بورا و دیگران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد کیفیت عملکرد بیماران دچار

1. attachment
2. internal working models
3. theory of mind

4. affective theory of mind
5. cognitive theory of mind
6. developmental disorders

7. schizophrenia

و انسجام می‌بخشد و به‌طور مؤثر به یک احساس فردی از خود، حفظ جهت در زندگی، و پیگیری اهداف در سایه حل مسائل گذشته منجر می‌شود (پالمبو و دیگران، ۲۰۱۸). این جهت‌یابی و تعقیب اهداف به‌ویژه برای اهداف بین فردی بسیار مهم است (دویت، مونک- فرومن، شاکتر و ادیس، ۲۰۱۶).

نخستین پژوهش‌های مرتبط با حافظه شرح حال در چارچوب کلی مدل‌های شبکه‌ای حافظه صورت گرفته است. بر اساس این مدل‌ها، هیجان‌ها به‌عنوان بخشی از یک شبکه تداعی کلی‌تر در حافظه بازنمایی می‌شوند و محتوای حافظه شرح حال تا حد زیادی تحت تأثیر تجارب هیجانی فرد است (بریانت و فورد، ۲۰۱۶؛ میلز، ۲۰۱۸). از آنجایی که اثر دلبستگی بر نحوه پردازش و بازشناسی هیجان (لیو، دینگ، لو و چن، ۲۰۱۷؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۱۹)، و نحوه یادآوری خاطرات (فارر، فاسیگ و ولش- راس، ۱۹۹۷؛ هی، لی و لی، ۲۰۱۱) معنادار است، احتمالاً کیفیت دلبستگی افراد به‌عنوان مبنایی محکم برای شکل‌گیری و تحول هیجان بر الگوی حافظه شرح حال آنان اثر بگذارد. افزون بر آن، دلبستگی ایمن با نحوه یادآوری خاطرات دوران قبلی زندگی ارتباط تنگاتنگ دارد، بدین‌گونه که افراد ایمن خاطرات خود با چهره دلبستگی را به‌شکل روشن، منسجم و همراه با محتواهای هیجانی مثبت و منفی یادآوری می‌کنند، درحالی‌که افراد نایمن معمولاً تجارب مربوط به روابط نزدیک خود را به‌گونه‌ای سازمان‌نیافته، تحریف‌شده و نامنسجم یادآوری کرده و در بیان خاطرات مربوط به روابط نزدیک، ضعیف‌تر عمل می‌کنند (هی و دیگران، ۲۰۱۱؛ واترز، رویز و روسمن، ۲۰۱۷).

نویسندگان با مرور پیشینه پژوهشی، پژوهشی را که با هدف تعیین رابطه بین نظریه ذهن یا حافظه شرح حال با دلبستگی انجام شده باشد، نیافتند. بررسی در این زمینه می‌تواند به واکاوی ابعاد جدیدی از رابطه بین درک خود و دیگری و سبک‌های دلبستگی بینجامد. بر اساس این، سؤال اصلی این پژوهش آن است که آیا بین نظریه ذهن و حافظه شرح حال با دلبستگی رابطه وجود دارد؟ به عبارت دیگر، کدام‌یک از ابعاد دلبستگی (اجتناب و اضطراب) توانایی پیش‌بینی نظریه ذهن و حافظه شرح حال را دارد؟

روان‌گسیختگی در تکالیف ذهن‌خوانی، پیش‌بین مناسبی برای شدت ناهنجاری‌های رفتاری آن‌هاست. فخاری و دیگران (۲۰۱۴) نیز دریافتند که بیماران مبتلا به اختلال دوقطبی در نظم‌جویی هیجان^۱ و نظریه ذهن نقص دارند.

با تکیه بر نظریه دلبستگی می‌توان گفت ایمنی در روابط دلبسته‌محور کودک و والد، شکل‌گیری بازنمایی‌های ذهنی جامع و سازمان‌یافته از روابط را سرعت می‌بخشد و کودک از این طریق می‌تواند به‌شکل مؤثر رفتار چهره دلبستگی را پیش‌بینی کند. این توانایی زمینه را برای درگیر شدن در آنچه بالبی روابط تصحیح‌شده با هدف^۲ می‌نامد، فراهم می‌آورد. به اعتقاد بالبی سازوکار نظام دلبستگی مبتنی بر یک شیوه تنظیم‌شده با هدف است. افراد روند دستیابی به مجاورت و حمایت را ارزیابی و رفتارهای خود را در جهت رسیدن به آن، به بهترین شکل تنظیم می‌کنند (گیلات، کارانزاس و فرالی، ۲۰۱۶؛ موریرا، فونسکا، شیور، میکولینسر و کاناوارو، ۲۰۱۸؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). این فرایند که اشتراکات زیادی با مفهوم نظریه ذهن دارد، باعث می‌شود افراد از بینش خود به شریک دلبستگی برای مطابقت دادن اهداف خود با اهداف چهره دلبستگی استفاده کنند؛ بنابراین روابط دلبستگی به افراد کمک می‌کند تا از بازنمایی‌های ذهنی دیگران برای هدایت رفتار خود استفاده کنند (ریکس و تامسون، ۲۰۰۸؛ وانوردن، کالپاکی و شارپ، ۲۰۱۵).

مرور آثار پژوهشی دلبستگی، به‌ویژه عوامل زیربناهایی شناختی آن نشان می‌دهد که دلبستگی بر نحوه پردازش اطلاعات ورودی به ذهن اثر می‌گذارد (دیکاس و کسیدی، ۲۰۱۱؛ کائو، مادور، وانگ و شاکتر، ۲۰۱۸). از این‌رو کیفیت دلبستگی می‌تواند بر نحوه روایت کردن رویدادهای زندگی و الگوی خاطرات فرد اثر بگذارد. یکی از مفاهیم بسیار مهم در این قلمرو، حافظه شرح حال^۳ است. حافظه شرح حال جنبه‌ای از حافظه است که با تجدید خاطره رویدادهایی که در گذشته به‌صورت شخصی تجربه شده‌اند مرتبط است (پالمبو، شلدون و لوین، ۲۰۱۸).

حافظه شرح حال همان نظام حافظه شخصی و شامل خاطرات شخصی، اطلاعات فردی، اینکه چه بودیم، چه هستیم و چه می‌توانیم باشیم، است. این حافظه به «احساس خود» مرکزیت

روش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری آن افراد متأهل ساکن مناطق ۱، ۲ و ۵ شهر تهران بود. تعداد ۲۱۲ نفر (۱۱۹ زن و ۹۳ مرد) با روش نمونه‌برداری در دسترس انتخاب شدند و به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار جی پاور^۱ و در نظر گرفتن اندازه اثر ۰/۲۰ تعیین شد. نحوه انتخاب نمونه نیز به این صورت بود که پس از مراجعه به مکان‌ها و فضاهای عمومی مناطق فوق (مانند پارک‌ها، مراکز خرید و کتابخانه‌ها) و توضیح کلی اهداف پژوهش از آنان خواسته می‌شد که در صورت امکان در پژوهش شرکت کنند.

مقیاس بازنگری شده تجارب مربوط به روابط نزدیک^۲

(فرالی، والر و برنان، ۲۰۰۰). این مقیاس ۳۶ ماده‌ای، دلبستگی بزرگسالان را بر مبنای دو بعد اضطراب (۱۸ ماده) و اجتناب (۱۸ ماده) مربوط به دلبستگی در روابط عاشقانه اندازه می‌گیرد. ماده‌های این مقیاس در یک طیف لیکرت از ۱ (به هیچ وجه) تا ۷ (خیلی زیاد) درجه‌بندی می‌شوند. دامنه نمرات در هر دو بعد ۷ تا ۱۲۶ است و نمره بالاتر در هر بعد نشان‌دهنده اضطراب یا اجتناب بالاتر است (وی، راسل، مالینکروت و واگل، ۲۰۰۷).

روایی همگرا و واگرایی این مقیاس از طریق همبسته کردن آن با مقیاس حمایت اجتماعی^۳ (کاترونا^۴ و راسل^۵، ۱۹۸۷) برای زیرمقیاس‌های اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۴۳- و ۰/۴۵-، با مقیاس تنهایی یو. سی. ال. ای.^۶ (راسل، ۱۹۹۶) برای زیرمقیاس‌های اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۵۲- و ۰/۳۶- و با پرسشنامه نگرانی حالت پن^۷ (میر^۸، میلر^۹، مزگر^{۱۰} و برکوک^{۱۱}، ۱۹۹۰) برای زیرمقیاس اضطراب ۰/۳۸- به دست آمده است (فرچیلد و فینی، ۲۰۰۶). همچنین آلفای کرونباخ این مقیاس برای بعد اضطراب و اجتناب در پژوهش گیلات و شیور (۲۰۰۷) به ترتیب برابر ۰/۸۸ و ۰/۹۰ و در پژوهش بوتوناری، رابرتز، کلی، کاشدان و سیسلا (۲۰۰۷) ۰/۹۱ و ۰/۹۴ گزارش شده است.

نتایج تحلیل عاملی این مقیاس در ایران نیز وجود دو عامل اجتناب و اضطراب را تأیید کرد و روایی همگرایی بعد اضطراب مقیاس با استفاده از همبسته کردن آن با زیرمقیاس افسردگی و اضطراب از مقیاس افسردگی، اضطراب و تنیدگی^{۱۲} (لاویباند^{۱۳} و لاویباند^{۱۴}، ۱۹۹۵) به ترتیب ۰/۴۵ و ۰/۵۱ و روایی واگرایی آن با مقیاس حرمت خود روزنبرگ^{۱۵} (۱۹۶۵) برابر ۰/۴۴- به دست آمد. روایی واگرایی زیرمقیاس اجتناب نیز از طریق بررسی همبستگی آن با زیرمقیاس برون‌گردی از سیاهه پنج‌عاملی شخصیت نئو^{۱۶} (مک‌کرای^{۱۷} و کاستا^{۱۸}، ۱۹۸۷) برابر ۰/۳۸- و ضریب بازآزمایی مقیاس با فاصله زمانی دو هفته برای عامل‌های اجتناب و اضطراب به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۸۹ گزارش شد (پناغی، ملکی، ذبیح‌زاده، پشت‌مشهدی و سلطانی‌نژاد، ۲۰۱۴). ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای بعد اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۷۹ به دست آمد.

آزمون ذهن‌خوانی از طریق چشم^{۱۹} (بارون- کوهن،

ویلرایت، هیل، ریست و پلامب، ۲۰۰۱). این آزمون برای سنجش نظریه ذهن ساخته شده، سه زیرمقیاس دارد (حالات ذهنی مثبت، ۸ مورد؛ منفی، ۱۲ مورد؛ خنثی، ۱۶ مورد) و شامل تصاویری از ناحیه چشم بازیگران و هنرپیشه‌ها در ۳۶ حالت مختلف است. برای هر تصویر، چهار واژه توصیف‌گر حالت‌های ذهنی که از ظرفیت هیجانی مشابهی برخوردارند ارائه می‌شود؛ برای مثال حالت ذهنی «دل‌سرد» با چهار گزینه (هیجان‌زده، وحشت‌زده، آرام و دل‌سرد) ارائه می‌شود. پاسخ‌دهنده تنها از طریق اطلاعات بینایی موجود در تصویر باید از بین چهار گزینه موجود، گزینه‌ای را که به بهترین شکل توصیف‌کننده حالت ذهنی شخص موجود در تصویر است، انتخاب کند. حداکثر امتیاز برای انتخاب واژگان درست در این آزمون ۳۶ و کمترین آن صفر است. بیشتر پژوهش‌ها از این آزمون به منظور بررسی توانایی ذهن‌خوانی افراد سالم و بیمار استفاده کرده‌اند (وانگ، وانگ، چن، ژو و وانگ، ۲۰۰۸).

1. G Power
2. Experience in Close Relationships-Revised (ECR-R)
3. Social Provisions Scale
4. Cutrona, C. E.
5. Russell, D. W.
6. UCLA Loneliness Scale
7. Penn State Worry Questionnaire

8. Meyer, T. J.
9. Miller, M. L.
10. Metzger, R. L.
11. Borkovec, T. D.
12. Depression, Anxiety, Stress Scale-21 (DASS-21)
13. Lovibond, P. F.
14. Lovibond, S. H.

15. Rosenberg Self-Esteem Scale
16. NEO-Five Factor Inventory (NEO-FFI)
17. McCrae, R. R.
18. Costa, P. T.
19. Reading Mind in the Eyes Test (RMET)

اختصاصی را از ۰/۸۳ تا ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. ضریب آلفای کرونیخ آزمون در این پژوهش برابر ۰/۶۴ به دست آمد. به منظور تحلیل داده‌های این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱، شاخص‌های توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی برحسب جنسیت، سن، سطح تحصیلات، سال‌های زندگی مشترک و نوع شغل ارائه شده است.

جدول ۱

فراوانی و درصد شرکت‌کنندگان

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت		
مرد	۹۳	۴۳/۹
زن	۱۱۹	۵۶/۱
کل	۲۱۲	۱۰۰
سن		
۲۱-۲۵ سال	۷	۳/۳۰
۲۶-۳۰ سال	۲۱	۹/۹۰
۳۱-۳۵ سال	۳۳	۱۵/۵۷
۳۶-۴۰ سال	۸۶	۴۰/۵۷
بالاتر از ۴۰ سال	۶۵	۳۰/۶۶
کل	۲۱۲	۱۰۰
تحصیلات		
دیپلم و زیر دیپلم	۲۰	۹/۴۴
کاردانی	۱۶	۷/۵۵
کارشناسی	۹۱	۴۲/۹۲
کارشناسی ارشد و بالاتر	۸۵	۴۰/۰۹
کل	۲۱۲	۱۰۰
سال‌های زندگی مشترک		
کمتر از ۵ سال	۵۱	۲۴/۰۵
۵ تا ۱۰ سال	۴۵	۲۱/۲۳
۱۰ تا ۱۵ سال	۵۳	۲۵
بالاتر از ۱۵ سال	۶۳	۲۹/۷۲
کل	۲۱۲	۱۰۰
شغل		
بدون شغل	۷۵	۳۵/۴
آزاد	۱۰۲	۴۸/۱
دولتی	۳۵	۱۶/۵
کل	۲۱۲	۱۰۰

ولانته و دیگران (۲۰۱۳) روایی همگرایی این آزمون را از طریق همبسته کردن آن با مقیاس همدلی^۱ (چپمان^۲ و دیگران، ۲۰۰۶) برابر ۰/۴۰ و اعتبار بازآزمایی آن را ۰/۸۳ به دست آورده‌اند. همچنین در ایران، ضریب اعتبار ابزار با روش آلفای کرونیخ برابر ۰/۷۲ گزارش شده است (نجاتی، ذبیح‌زاده، ملکی و محسنی، ۲۰۱۳). ضریب آلفای کرونیخ آزمون در این پژوهش برابر ۰/۶۸ به دست آمد.

آزمون حافظه شرح حال^۳ (ویلیامز و برودبنت، ۱۹۸۶). این آزمون به منظور بررسی حافظه شرح حال رویدادی ساخته شد و نخستین بار در بیماران متمایل به خودکشی به کار برده شد. در این آزمون لغت‌هایی با بار هیجانی متفاوت به شرکت‌کنندگان ارائه و از آن‌ها خواسته می‌شود که به هر لغت با رویدادی (خاطره‌ای) که به واسطه لغت یادآوری می‌شود، پاسخ دهند. به آن‌ها گفته می‌شود که رویداد یادآوری شده می‌تواند مهم یا کم‌اهمیت، مربوط به دوران گذشته یا اخیر باشد، اما باید یک رویداد «اختصاصی»^۴ باشد. چیزی که در یک زمان و مکان خاص رخ داده و دارای یک مدت‌زمان محدود (یک روز یا کمتر) است. به شرکت‌کنندگان مثالی از اختصاصی بودن ارائه می‌شود (برای مثال، برای لغت «لذت»، پاسخ «من معمولاً از مهمانی لذت می‌برم» درست نیست زیرا به زمان یا مکان خاصی اشاره ندارد، اما پاسخ «مهمانی حسین در جمعه گذشته» صحیح است).

در این پژوهش از نسخه فارسی آزمون (مرادی، عبدی و اکرمیان، ۲۰۱۰) استفاده شد. چنانچه پاسخ فرد ملاک «اختصاصی بودن» را داشته باشد به او نمره ۱ و در غیر این صورت صفر تعلق می‌گیرد. در این نسخه، ۱۰ لغت با بار هیجانی مثبت و منفی به افراد ارائه می‌گردد. لغات مثبت مورد استفاده در هر دو گروه تک‌زبانه و دوزبانه شامل بهار، خنده، عشق، گل و پرواز و فهرست لغات منفی نیز شامل مرگ، ویروس، عفونت، آزمایش خون و آلودگی است. زمان لازم برای ارائه پاسخ نیز ۳۰ ثانیه در نظر گرفته شد. مرادی و دیگران (۱۳۸۹) همبستگی درون‌طبقه‌ای بین نمره‌گذاری دو ارزیاب برای خاطرات

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای

پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳
۱. اضطراب دلبستگی	۶۳/۵۱	۲۲/۱۷			
۲. اجتناب دلبستگی	۴۵/۰۴	۱۸/۲۴	۰/۵۸**		
۳. نظریه ذهن	۱۸/۹۹	۳/۵۸	-۰/۱۳	-۰/۲۰**	
۴. حافظه شرح حال	۵/۵۲	۲/۵۵	-۰/۰۶	-۰/۲۴*	۰/۱۹*

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

جدول ۴

ضرایب تحلیل رگرسیون ابعاد دلبستگی در پیش‌بینی نظریه ذهن

متغیر	B	S.E	β	t	معناداری
اضطراب دلبستگی	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۱	-۰/۰۸	۱/۲۳	۰/۲۱
اجتناب دلبستگی	-۰/۰۳۶	۰/۰۱۴	-۰/۱۸	۲/۵۸	۰/۰۱

جهت بررسی دقیق‌تر رابطه میان حافظه شرح حال و ابعاد دلبستگی از تحلیل رگرسیون چندگانه با شیوه همزمان استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵

نتایج اجرای رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی حافظه شرح حال از روی ابعاد دلبستگی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
پیش‌بینی	۸۰/۳۴	۲	۴۰/۱۷	۶/۴۵	۰/۰۰۲
باقیمانده	۱۳۰۰/۵۴	۲۰۹	۶/۲۲		
کل	۱۳۸۰/۸۸	۲۱۱			

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، ابعاد دلبستگی حافظه شرح حال را پیش‌بینی می‌کند [$F(2, 209) = 6.45, P = 0.002$]. بررسی‌های دقیق‌تر با استفاده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیون نشان داد که تنها نقش اجتناب دلبستگی در پیش‌بینی حافظه شرح حال معنادار است (جدول ۶).

جدول ۶

ضرایب تحلیل رگرسیون ابعاد دلبستگی در پیش‌بینی حافظه شرح حال

متغیر	B	S.E	β	t	معناداری
اضطراب دلبستگی	-۰/۰۰۴	۰/۰۱۰	-۰/۰۲	۰/۲۸	۰/۷۱
اجتناب دلبستگی	-۰/۰۳۶	۲/۴۸	-۰/۲۴	۳/۶۰	۰/۰۰۱

بحث

هدف این پژوهش تعیین رابطه بین توانایی نظریه ذهن و حافظه شرح حال با دلبستگی بود. نتایج نشان داد که نقش اجتناب دلبستگی در پیش‌بینی نظریه ذهن معنادار است و اضطراب

بر اساس جدول ۲، رابطه اضطراب دلبستگی با نظریه ذهن معنادار نیست، درحالی‌که رابطه اجتناب دلبستگی با نظریه ذهن معنادار است. همچنین، رابطه اجتناب دلبستگی با حافظه شرح حال، معنادار است و بین اضطراب دلبستگی با حافظه شرح حال و زیرمقیاس‌های آن رابطه معناداری وجود ندارد.

جهت بررسی دقیق‌تر رابطه حافظه شرح حال و نظریه ذهن با ابعاد دلبستگی از تحلیل رگرسیون چندگانه^۱ با روش همزمان^۲ استفاده شد. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی نظریه ذهن از روی ابعاد دلبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۳

نتایج اجرای رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی نظریه ذهن از روی ابعاد دلبستگی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
پیش‌بینی	۱۳۱/۱۶	۲	۶۵/۵۸	۵/۳۱	۰/۰۰۶
باقیمانده	۲۵۸۲/۸۱	۲۰۹	۱۲/۳۵		
کل	۲۷۱۳/۹۷	۲۱۱			

طبق جدول ۳، ابعاد دلبستگی توانایی نظریه ذهن را پیش‌بینی می‌کنند [$F(2, 209) = 5.31, P = 0.006$]. بررسی‌های دقیق‌تر با استفاده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیون نشان داد که تنها نقش اجتناب دلبستگی در پیش‌بینی نظریه ذهن معنادار است (جدول ۴).

بر اساس این نکته، یک جنبه کلیدی از راهبردهای اولیه مجاورت، توانایی بازداری انتشار هیجان‌های منفی در سراسر حافظه کاری و فعال‌سازی شناخت‌های مثبت رقیب است (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۸). احساس ذاتی این افراد از ایمنی به برانگیختگی پایین و حالتی غیرتدافعی برای آنان می‌انجامد و به آنان اجازه می‌دهد آزادانه درگیر فعالیت‌های دیگر روزمره شوند (میکولینسر و شیور، ۲۰۱۹).

افزون بر آن، بر اساس یافته‌ها اجتناب دلبستگی به‌طور منفی حافظه شرح حال را پیش‌بینی می‌کند. این یافته بدان معناست که نمرات بالا در اجتناب با حافظه شرح حال ضعیف‌تر همراه است. این نتایج تا حدود زیادی همسویا پژوهش‌های پیشین است (برای مثال، فارر و دیگران، ۱۹۹۷؛ کائو و دیگران، ۲۰۱۸؛ هی و دیگران، ۲۰۱۱). رابطه میان دلبستگی و حافظه در پژوهش‌های قبلی، معمولاً متمرکز بر جمعیت کودکان بوده است؛ برای مثال در پژوهش فارر و دیگران (۱۹۹۷) جفت مادر-دختر دارای دلبستگی ناایمن، بیش از جفت ایمن پیرامون خاطرات منفی صحبت می‌کردند، اما جفت‌های ایمن درباره خاطرات مثبت و منفی تقریباً به یک اندازه صحبت می‌کردند. رابطه دلبستگی و حافظه شرح حال در بزرگسالان به‌ندرت مورد بررسی قرار گرفته است؛ در یکی از معدودترین آن‌ها، هی و دیگران (۲۰۱۱) دریافتند که شرکت‌کنندگان دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با افراد ناایمن در آزمون بازشناسی حافظه عملکرد بهتری دارند و واژگان مثبت را بهتر به یاد می‌آورند. کائو و دیگران (۲۰۱۸) نیز با بررسی رابطه بین دلبستگی و اختصاصی‌بودن اپیزودیک حافظه و تصویرسازی مرتبط با دلبستگی به این نتیجه رسیدند که افراد ایمن در خاطرات مرتبط با دلبستگی در مقایسه با خاطرات غیرمرتبط، جزئیات درونی بیشتر و جزئیات بیرونی کمتری را یادآوری می‌کنند؛ این یافته در بین افراد ناایمن دیده نشد.

ارتباط اجتناب دلبستگی و عملکرد ضعیف حافظه شرح حال را می‌توان وابسته به روی آورد تدافعی افراد دارای سبک اجتنابی دانست. به اعتقاد بالبی (۱۹۸۲) ارزیابی کودک از رویدادهای تنیدگی‌زا متأثر از انتظارات او پیرامون در دسترس بودن چهره دلبستگی یا به تعبیر بالبی مدل‌های درون‌کاری است. درواقع انتظارات افراد از میزان در دسترس‌پذیری و پاسخگو بودن چهره دلبستگی تعیین‌کننده کیفیت مدل‌های درون‌کاری «خود» و «دیگری» خواهد بود. این انتظارات

دلبستگی نقشی در پیش‌بینی نظریه ذهن ندارد. این یافته که سبک دلبستگی اجتنابی با نظریه ذهن پایین‌تر همراه است، تا حد زیادی با پژوهش‌های پیشین همسو است (برای مثال، ریکس و تامسون، ۲۰۰۸؛ وانوردن و دیگران، ۲۰۱۵). بر اساس پژوهش ریکس و تامسون (۲۰۰۸) کودکان ناایمن در مقایسه با کودکان ایمن، درک هیجانی ضعیف‌تری از خود و دیگران داشته و در تشخیص راه‌حل مناسب برای تکالیف حل مسئله اجتماعی، محدودیت‌های قابل‌توجهی دارند. با وجود این، نتایج پژوهش هانفلد و دیگران (۲۰۱۳) برخلاف پیش‌بینی پژوهشگران نشان می‌دهد که اضطراب و نه اجتناب با نظریه ذهن ضعیف‌تر همراه است که دلیل ناهمسوئی آن با نتایج این پژوهش ممکن است به دلیل تفاوت سنی شرکت‌کنندگان و شیوه‌های گوناگون سنجش باشد؛ برای مثال پژوهش هانفلد و دیگران (۲۰۱۳) در جمعیت نوجوانان انجام شده و دلبستگی به والدین را مورد ارزیابی قرار داده است، درحالی‌که هدف عمده این پژوهش بررسی تجارب مربوط به روابط نزدیک و به بیان دیگر، دلبستگی رمانتیک بود و این دو نوع به‌طور طبیعی می‌توانند واجد تفاوت‌های قابل توجهی باشند.

افزون بر آن، یافته‌های به‌دست‌آمده تا حد زیادی با پیش‌بینی مدل میکولینسر و شیور (۲۰۰۷) و موریرا و دیگران (۲۰۱۸) همسوست. مطابق با این مدل، نمرات بالا در بعد اجتنابی دلبستگی با باورهای سرسختانه مبنی بر در دسترس و پاسخگو نبودن دیگران به‌هنگام نیاز همراه است. این افراد خود را از مجاورت با سرخ‌های مرتبط با چهره‌های مادرانه رها می‌سازند و راهبردهای نافع‌سازانه^۱ را در پیش می‌گیرند. حفظ فاصله جسمانی و روانی با افراد مهم، به حداقل رساندن اهمیت نزدیکی و صمیمیت، و احساس خوداتکایی^۲ و استقلال از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی است؛ بدین ترتیب این افراد با اتخاذ راهبردهای نافع‌الانه مهار بیشتری بر محرک‌های مرتبط با دلبستگی دارند و توجه خود را از محرک‌های مرتبط با دلبستگی منحرف می‌سازند (گیلات و دیگران، ۲۰۱۶؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، راهبردهای توجهی انعطاف‌پذیر که مشخصه افراد ایمن است، نشان می‌دهد سرخ‌های هیجانی به اختلال در عملکرد این افراد منجر نمی‌شود یا به میزان بسیار کمی با اختلال در عملکرد همراه است.

حافظه شرح حال بود؛ بنابراین توصیه می‌شود افزون بر آزمون حافظه شرح حال، برای افزایش دقت و تکمیل نتایج آن از مصاحبه حافظه نیز شرح حال استفاده شود. به نظر می‌رسد عدم استفاده از مصاحبه در این پژوهش تا حدی اثر منفی بر دقت ارزیابی حافظه گذاشته باشد. با توجه به طرح این پژوهش نمی‌توان پیرامون جهت ارتباط میان متغیرهای نظریه ذهن و حافظه شرح حال با دلبستگی قضاوت دقیق داشت و این رابطه علت‌ومعلولی نامشخص به یک «علیت دوسویه» منجر شده است، به گونه‌ای که احتمالاً توانایی نظریه ذهن یا حافظه شرح حال پیش‌بین نمرات افراد در دلبستگی است.

منابع

- Baez, S., Marengo, J., Perez, A., Huepe, D., Font, F. G., Rial, V., & Ibanez, A. (2015). Theory of mind and its relationship with executive functions and emotion recognition in borderline personality disorder. *Journal of Neuropsychology*, 9(2), 203-218.
- Baron-Cohen, S., Wheelwright, S., Hill, J., Raste, Y., & Plumb, I. (2001). The "Reading the Mind in the Eyes" Test revised version: a study with normal adults, and adults with Asperger syndrome or high-functioning autism. *The Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 42(2), 241-251.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61(2), 226-244.
- Behsarat, M. A., Jabari, A., & Saadati, M. (2016). Predicting children's attachment indices according to parental attachment: An intergenerational study. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 13(49), 3-12. [In Persian].
- Bora, E., Vahip, S., Gonul, A. S., Akdeniz, F., Alkan, M., Ogut, M., & Eryavuz, A. (2005). Evidence for theory of mind deficits in euthymic patients with bipolar disorder. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 112(2), 110-116.
- Bottonari, K. A., Roberts, J. E., Kelly, M. A., Kashdan, T. B., & Ciesla, J. A. (2007). A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed

ارزیابی‌های فرد از خاطرات پیشین را اصلاح می‌کند. نوزادان اجتنابی که انتظار طرد شدن از جانب والدین را دارند، رفتار دلبستگی خود را در جهت اجتناب از سرنخ‌های مربوط به روابط نزدیک تنظیم کرده و بدین شکل، تعارض یا طرد پیش‌بینی شده بعد از جدایی را کاهش می‌دهند (کائو و دیگران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، تعریف فرد از خود و دیگری متأثر از محتوای مدل‌های درون‌کاری است و می‌توان نتیجه گرفت که تجارب دلبستگی به‌گزینشی شدن حافظه شرح حال منجر می‌شود. بدین صورت که برخورداری از سبک دلبستگی ایمن به گرایش باز و انعطاف‌پذیر و یادآوری خاطرات مثبت و منفی مربوط به خود می‌انجامد، درحالی‌که سبک دلبستگی اجتنابی با سرکوب‌گری تجارب مرتبط به دلبستگی، محدودیت در یادآوری اختصاصی خاطرات مربوط به خویشان را در پی دارد.

به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش بیانگر نقش پیش‌بین دلبستگی اجتنابی در نظریه ذهن و حافظه شرح حال بود. همسو با این یافته، پژوهش لیو و دیگران (۲۰۱۷) نیز نشان داد افراد با سبک دلبستگی اجتنابی ضعیف‌ترین و افراد نایمن اضطرابی سریع‌ترین دسترسی را به خاطرات غم و اضطراب دارند و افراد با سبک دلبستگی ایمن بین این دو هستند. ناتوانی یا بی‌میلی در برخورد مستقیم با علل هیجان‌ها یا حالات ذهنی دردناک اغلب برای افراد اجتنابی یک انتخاب نظم‌دهنده باقی می‌گذارد: سرکوبی هیجان یا جدا کردن خود از تأثیرات آن در تجربه و رفتار؛ بنابراین، تلاش‌های سازماندهی پاسخ‌محور مشتمل بر انکار یا سرکوب کردن افکار و خاطرات هیجانی، تغییر مسیر توجه به مسائل هیجانی، سرکوبی عملکرد هیجانی و بازداری یا پوشاندن ابرازهای هیجانی کلامی و غیرکلامی مشاهده می‌شود. آنان ترجیح می‌دهند به‌جای استفاده منعطف از هیجان‌ها در سازماندهی رفتار، آن‌ها را پنهان یا سرکوب کنند، زیرا احتمالاً طی تعامل‌های آزاردهنده با چهره دلبستگی خویش یاد گرفته‌اند که با درماندگی و آسیب‌پذیری از پردازش اطلاعات مرتبط با دلبستگی اجتناب کنند (بریان و فور، ۲۰۱۶).

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، عدم بررسی ابعاد مختلف نظریه ذهن بود. آزمون به‌کارگرفته شده در این پژوهش تنها بُعد عاطفی ذهن‌خوانی را اندازه می‌گیرد و برای درک اینکه دلبستگی با هر دو یا تنها یکی از این عناصر مرتبط است، سنجش بعد شناختی آن نیز حائز اهمیت است. محدودیت دیگر پژوهش نحوه اندازه‌گیری

- item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 350-365.
- Gander, M., & Buchheim, A. (2015). Attachment classification, psychophysiology and frontal EEG asymmetry across the lifespan: A review. *Frontiers in Human Neuroscience*, 9, Article 79.
- Gillath, O., & Shaver, P. R. (2007). Effects of attachment style and relationship context on selection among relational strategies. *Journal of Research in Personality*, 41(4), 968-976.
- Gillath, O., Karantzas, G. C., & Fraley, R. C. (2016). *Adult attachment: A concise introduction to theory and research*. Cambridge: Academic Press.
- He, J., Li, N., & Li, T. (2011). Adult attachment and incidental memory for emotional words. *Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*, (5), 1-20.
- Hirao, K., Miyata, J., Fujiwara, H., Yamada, M., Namiki, C., Shimizu, M., ... & Murai, T. (2008). Theory of mind and frontal lobe pathology in schizophrenia: A voxel-based morphometry study. *Schizophrenia Research*, 105(1-3), 165-174.
- Hünefeldt, T., Laghi, F., Ortu, F., & Belardinelli, M. O. (2013). The relationship between 'theory of mind' and attachment-related anxiety and avoidance in Italian adolescents. *Journal of Adolescence*, 36(3), 613-621.
- Jones, J. D., Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2015). Adult attachment style and parenting. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and research: New directions and emerging themes* (pp 234-260). New York: Guilford Press.
- Liu, Y., Ding, Y., Lu, L., & Chen, X. (2017). Attention bias of avoidant individuals to attachment emotion pictures. *Scientific Reports*, 7, 41631.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. New York: Guilford Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2008). Adult attachment and affect regulation. In J. Cassidy, & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* 2nd Ed. (pp. 503-531) New York: Guilford Press.
- individuals. *Behaviour Research and Therapy*, 45(1), 179-188.
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: Retrospect and prospect. *American Journal of Orthopsychiatry*, 52(4), 664-678.
- Bryant, R. A., & Foord, R. (2016). Activating attachments reduces memories of traumatic images. *PloS one*, 11(9), e0162550.
- Cao, X., Madore, K. P., Wang, D., & Schacter, D. L. (2018). Remembering the past and imagining the future: attachment effects on production of episodic details in close relationships. *Memory*, 26(8), 1140-1150.
- Chapman, E., Baron-Cohn, S., Auyeung, B., Knickmeyer, R., Taylor, K., & Hackett, G. (2006). Fetal testosterone and empathy: Evidence from the Empathy Quotient (EQ) and the "Reading the Mind in the Eyes" test. *Social Neuroscience*, 1(2), 135-148.
- Devitt, A. L., Monk-Fromont, E., Schacter, D. L., & Addis, D. R. (2016). Factors that influence the generation of autobiographical memory conjunction errors. *Memory*, 24(2), 204-222.
- Dykas, M. J., & Cassidy, J. (2011). Attachment and the processing of social information across the life span: theory and evidence. *Psychological Bulletin*, 137(1), 19-46.
- Fairchild, A. J., & Finney, S. J. (2006). Investigating validity evidence for the experiences in close relationships-revised questionnaire. *Educational and Psychological Measurement*, 66(1), 116-135.
- Fakhari, A., Minashiri, A., Khazaei, S., Movahedi, Y., Fallahi, A., & Taherpanah, M. (2014). Study of deficiency in theory of mind and emotion regulation in bipolar disorder and depressed patients compared with normal subjects. *Studies in Medical Science*, 25(6), 511-520. [In Persian].
- Farrar, M. J., Fasig, L. G., & Welch-Ross, M. K. (1997). Attachment and emotion in autobiographical memory development. *Journal of Experimental Child Psychology*, 67(3), 389-408.
- Fonagy, P. (2018). *Attachment theory and psychoanalysis*. London: Routledge.
- Fraley, R. C., Waller, N. G., & Brennan, K. A. (2000). An

- Singer, T. (2006). The neuronal basis and ontogeny of empathy and mind reading: review of literature and implications for future research. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 30(6), 855-863.
- Singer, T., & Tusche, A. (2014). Understanding others: Brain mechanisms of theory of mind and empathy. In *Neuroeconomics* (pp. 513-532). Academic Press.
- Stievenart, M., Roskam, I., Meunier, J. C., & Van de Moortele, G. (2011). The reciprocal relation between children's attachment representations and their cognitive ability. *International Journal of Behavioral Development*, 35(1), 58-66.
- Vanwoerden, S., Kalpakci, A. H., & Sharp, C. (2015). Experiential avoidance mediates the link between maternal attachment style and theory of mind. *Comprehensive Psychiatry*, 57, 117-124.
- Vellante, M., Baron-Cohen, S., Melis, M., Marrone, M., Petretto, D. R., Masala, C., & Preti, A. (2013). The "Reading the Mind in the Eyes" test: systematic review of psychometric properties and a validation study in Italy. *Cognitive Neuropsychiatry*, 18(4), 326-354.
- Wang, Y. G., Wang, Y. Q., Chen, S. L., Zhu, C. Y., & Wang, K. (2008). Theory of mind disability in major depression with or without psychotic symptoms: a componential view. *Psychiatry Research*, 161(2), 153-161.
- Waters, T. E., Ruiz, S. K., & Roisman, G. I. (2017). Origins of secure base script knowledge and the developmental construction of attachment representations. *Child Development*, 88(1), 198-209.
- Wei, M., Russell, D. W., Mallinckrodt, B., & Vogel, D. L. (2007). The Experiences in Close Relationship Scale (ECR)-short form: Reliability, validity, and factor structure. *Journal of Personality Assessment*, 88(2), 187-204.
- Welborn, B. L., & Lieberman, M. D. (2015). Person-specific theory of mind in medial pFC. *Journal of Cognitive Neuroscience*, 27(1), 1-12.
- Williams, J. M., & Broadbent, K. (1986). Autobiographical memory in suicide attempters. *Journal of Abnormal Psychology*, 95(2), 144-149.
- Wolf, F., Brüne, M., & Assion, H. J. (2010). Theory of mind and neurocognitive functioning in patients with bipolar disorder. *Bipolar Disorders*, 12(6), 657-666.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10.
- Mills, M. A. (2018). *Narrative identity and dementia: A study of autobiographical memories and emotions*. London: Routledge.
- Moradi, A., Abdi, A., & Akramian, F. (2010). The autobiographical memory performance (Specificity of semantic and episodic aspects) in patients with post traumatic stress syndrom. *Journal of Modern Psychological Research*, 17(5), 123-150. [In Persian].
- Moreira, H., Fonseca, A., Shaver, P. R., Mikulincer, M., & Canavarro, M. C. (2018). Assessing hyperactivation and deactivation strategies of the caregiving behavioral system: Psychometric studies of the Portuguese version of the Caregiving System Scale. *Psychological Assessment*, 30(4), 512-523.
- Nejati, V., Zabihzadeh, A., Maleki, G., & Mohseni, M. (2013). Social cognition deficits in patients with major depression disorder: Evidence from reading mind in the eyes test. *Journal of Applied Psychology*, 4(24), 57-70. [In Persian].
- Palombo, D. J., Sheldon, S., & Levine, B. (2018). Individual differences in autobiographical memory. *Trends in Cognitive Sciences*, 22(7), 583-597.
- Panaghi, L., Maleki, G., Zabihzadeh, A., Poshtmashhadi, M., & Soltaninezhad, Z. (2014). Validity, reliability, and factor analysis of Experiences in Close Relationship (ECR) Scale. *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology*, 19(1), 305-313. [In Persian].
- Premack, D., & Woodruff, G. (1978). Does the chimpanzee have a theory of mind? *Behavioral and Brain Sciences*, 1(4), 515-526.
- Raikes, H. A., & Thompson, R. A. (2008). Attachment security and parenting quality predict children's problem-solving, attributions, and loneliness with peers. *Attachment & Human Development*, 10(3), 319-344.
- Rashidi, M., Mazaheri, M. A., Nejati, V. & Zabihzadeh, A. (2015). Comparing individuals with secure attachment and insecure individuals in their heart rate responses to attachment-related film clips. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 12(48), 355-366. [In Persian].